

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
السلام عليك يا ابا صالح المهدي ادر کنی

فهرست

- ۲..... امام زمان (علیه السلام) کیست؟ (۲)
- ۴..... وظایف منتظران (۲)
- ۶..... سوالات آشنایی (۲)
- ۷..... معرفی کتاب
- ۸..... چگونگی یاری امام زمان (علیه السلام)
- ۱۰..... موانع ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)
- ۱۱..... ادعیه به نام حضرت مهدی (علیه السلام) (دعای غریق)
- ۱۲..... جهان قبل از ظهور
- ۱۴..... سبک زندگی مهدوی (علیه السلام)
- ۱۶..... منابع

امام زمان علیه السلام کیست؟ (۲)

امام زمان، حضرت حجت بن الحسن المهدی علیه السلام دوازدهمین پیشوای شیعیان و آخرین حجت الهی بر روی زمین است. آن حضرت در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری در شهر سامرا دیده به جهان گشودند. ایشان یگانه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین امام شیعیان هستند و مادر گرامی امام زمان، شاهزاده‌ای رومی به نام «نرجس خاتون علیها السلام» است که از طرف پدر، نوه قیصر روم شرقی و از طرف مادر از نوادگان شمعون الصفا؛ وصی حضرت عیسی علیه السلام بوده است.

نام اصلی امام زمان «محمد» و کنیه مبارکشان «ابوالقاسم» است. بنابراین آن حضرت هم نام و هم کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. القاب معروف ایشان خاتم الاوصیاء، منتظر، حجت، صاحب الامر، صاحب الزمان، بقیة الله، قائم و خلف صالح و مشهورترین لقب آن حضرت «مهدی» علیه السلام است.

امام زمان علیه السلام در دورانی دیده به جهان گشودند که حاکمان ستمگر عباسی، امام حسن عسکری علیه السلام را به سامرا احضار کرده و زندگی ایشان را به منظور یافتن آخرین حجت الهی و نابودی او به شدت تحت کنترل قرار داده بودند؛ دلیل آن روایات متعددی بود که مهدی موعود علیه السلام را فرزند امام عسکری علیه السلام معرفی می-کردند. از این رو تولد آن حضرت، مانند ولادت حضرت موسی علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت مخفیانه و معجزه آسا صورت گرفت. یعنی همان گونه که این دو پیامبر بزرگ الهی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی فرعونیان و نمرودیان، به اراده الهی به سلامت در کنار کاخ فرعون و نمرود متولد شدند، حضرت مهدی علیه السلام نیز در حالی که مأموران خلیفه عباسی، تمام وقایع خانه امام یازدهم علیه السلام را زیر نظر داشتند، بدون آن که دشمنان متوجه شوند و در کمال امنیت متولد شدند.

پس از ولادت نیز حضرت حجت علیه السلام زندگی پنهانی داشتند و از دیده‌ها مخفی بودند و امام حسن عسکری علیه السلام فرزند گرامی‌شان را، تنها در برخی از موقعیت‌های

مناسب، آن هم فقط به عده‌ای از خواص شیعیان خود نشان می‌دادند و ایشان را به عنوان جانشین و امام بعد از خود معرفی می‌کردند.

سرانجام دستگاه خلافت عباسی در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ قمری، امام حسن عسکری (علیه السلام) را - در حالی که فرزند گرامی ایشان پنج سال بیشتر نداشتند - مسموم کرد و به شهادت رساند و از آن تاریخ به بعد، دوران امامت حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) آغاز گردید.

آغاز امامت امام زمان (علیه السلام) همزمان با شروع دوران غیبت ایشان بود. غیبت به معنای زندگی پنهانی در زمین و میان مردم است به گونه‌ای که برای عموم انسان‌ها ناشناخته هستند نه به این معنا که ایشان مثلاً در آسمان‌ها یا کُرّات دیگر زندگی می‌کنند؛ بلکه در جامعه و میان مردم رفت و آمد دارند.

دوران غیبت امام زمان (علیه السلام) به دو دوره تقسیم می‌شود. یک دوره غیبت کوتاه مدت که با آغاز امامت آن حضرت آغاز شد و ۶۹ سال به طول انجامید و از آن به «غیبت صغری» تعبیر می‌شود. در این دوران شیعیان به واسطه چهار نائب خاص به نام‌های: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری، که از اصحاب با سابقه و مورد اعتماد امامان بودند به صورت محدود با امام ارتباط داشتند. این چهار نفر به مدت هفتاد سال، نیابت امام را عهده‌دار بودند و با داشتن نمایندگانی در دورترین شهرهای اسلامی، پیام‌ها، سوالات، مشکلات و خواسته‌های شیعیان را به امام و پاسخ‌های امام را به آنان می‌رساندند. از دیگر وظایف نمایان خاص، از بین بردن تردیدها درباره حضرت مهدی (علیه السلام) و پنهان داشتن محل زندگی و مشخصات امام، جهت حفظ جان ایشان بود.

دیگری دوران «غیبت کبری» یا غیبت طولانی مدت آن حضرت است که از سال ۳۲۹ قمری آغاز شد و هنوز نیز ادامه دارد که در آن دیگر خبری از نایبان خاص و ارتباط با واسطه با امام به صورت عمومی نیست.

وظایف منتظران (۲)

شیعیان در هر دورانی نسبت به معصوم زمان خود و امام آن دوران وظایف و تکالیفی دارند که هر کس این تکالیف را رعایت کند، به مسیر حق راه یافته و تمام امور دنیا و آخرتش به بهترین وجه سامان می‌یابد. در این زمان که ولی اعظم الهی علیه السلام به دلیل رفتار مردمان از دیدگان پنهان است، وظایف شیعیان از گردن‌شان ساقط نشده؛ بلکه مضاعف گشته و نسبت به آن عزیز الهی علیه السلام تکالیفی دو چندان دارند. در اینجا به برخی از مهم‌ترین وظایف منتظران اشاره می‌کنیم:

۱. شناخت و معرفت نسبت به امام:

بر اساس روایات متعددی، ورود به صراط مستقیم و حرکت به سمت خدا جز با شناخت امام و حجت خدا ممکن نیست و اگر کسی بدون این که امام زمان خودش را بشناسد از دنیا برود، مرگش مرگ جاهلانه و همراه با نادانی خواهد بود. البته شناخت هم مراتبی دارد. مرتبه ابتدایی، شناخت تاریخی و شناسنامه‌ای امام است و مرتبه بالاتر، شناخت جایگاه، ویژگی‌های والای امام، نقش امام در عالم هستی و زندگی انسان‌ها، رشد و حرکت آنها به سمت خدا است. بر شیعه لازم است که درباره این مسأله مطالعه، پرس‌وجو و تفکر کند و حتی به خود امام متوسل شود و از او بخواهد که او را در این مسیر یاری کند و بر معرفتش نسبت به این امر بیافزاید.

۲. حرکت در راستای خواست امام:

امام نزدیک‌ترین مخلوق به خداوند و حجت خدا در میان سایر مخلوقاتش است و خواست او عین خواست خدای تعالی است که اگر این خواست محقق شود، بهترین حالت در هر زمینه‌ای است که بهتر از آن قابل تصور نیست. بنابراین تلاش برای تحقق خواست امام، همان انجام خواست خداست که این بالاترین عبادت و مصداق بهترین نوع بندگی خدای متعال است. از طرف دیگر تلاش برای حرکت در راستای خواست امام، لطف و عنایت ویژه الهی را شامل حال انسان می‌کند که نتیجه آن، سامان یافتن امور دنیا و آخرت انسان به بهترین وجه ممکن است.

۳. انتظار امر فرج و تلاش برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام مهم‌ترین دغدغه تمام انبیاء، اهل بیت علیهم السلام و اولیاء الهی و اصلی‌ترین هدف و وظیفه همه آنان در طول تاریخ، نجات انسان‌ها از هلاکت و ظلمت، و هدایت آنها به سعادت و رستگاری حقیقی در دنیا و آخرت بوده است. این مهم، اصلی‌ترین خواست آنهاست و همانطور که اشاره شد، بالاترین نوع بندگی خدای متعال، تلاش برای حرکت در راستای تحقق خواست حجت و ولی خداست. مهم‌ترین خواست و دغدغه امام زمان علیه السلام در این دوران تحقق امر فرج و فراهم شدن زمینه‌های ظهور مبارک ایشان است؛ زیرا که نجات انسان‌ها جز با تحقق امر فرج و ظهور منجی موعود حاصل نمی‌شود. با تحقق فرج است که حکومت توحیدی عالم‌گیر می‌شود و عدل الهی در تمام عالم فراگیر می‌شود و زمینه برای رشد و تعالی معنوی توأم با سعادت و رفاه مادی به بهترین وجه ممکن برای همه انسان‌ها فراهم می‌شود و این بالاترین خواست اولیاء الهی در تمام طول تاریخ بوده است.

پس اگر بهترین و بالاترین نوع بندگی تلاش برای تحقق خواست حجت و ولی خداست و بالاترین و مهم‌ترین خواست ولی خدا و امام زمان علیه السلام در این دوران و بلکه در تمام دوران‌ها، تحقق امر فرج و ظهور بوده است. واضح است که بالاترین و بهترین نوع بندگی و مهم‌ترین وظیفه شیعیان در این دوران انتظار فرج و تلاش برای فراهم شدن هر چه بیشتر زمینه‌های این امر مبارک است و هر کدام از ما باید تلاش کند تا بفهمد که چگونه و به چه وسیله‌ای می‌تواند در این مسیر قدمی هر چند کوچک بردارد و چگونه می‌تواند در این امر عظیم سهمی هر چند ناچیز داشته باشد و تمام هم و غم خود را متوجه این مسأله کند و این همان است که در روایات متعددی به آن اشاره شده است که «افضل اعمال امت اسلام، انتظار فرج است» (بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸)

سوالات آشنایی (۲)

؟ با توجه به این که امام زمان علیه السلام در حال حاضر در میان ما حضور ندارند و در غیبت به سر می‌برند، وجود ایشان چه نقشی در زندگی ما می‌تواند داشته باشد؟

✓ وجود امام حتی در حال غیبت، آثار و فواید بسیاری برای تمام بشریت دارد که در اینجا تنها به یکی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم. امام واسطه بین خدا و همه هستی و مهم‌ترین وسیله ارتباط با خدا است. اطاعت از امام به دستور خدای تعالی بر همگان واجب است؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را! ﴿نساء، ۵۹﴾ و در این امر به اطاعت، تفاوتی میان حضور و غیبت امام نیست. خدای تعالی هر خیری را به هر مخلوقی بخوهد عطا فرماید، به وسیله امام و از ناحیه امام است و غیبت و حضور امام هم تفاوتی در اصل این واقعیت ایجاد نمی‌کند.

بنابراین امام، پناه و پشتیبان ما در تمام مشکلات و صحنه‌های زندگیمان، اعم از مادی و معنوی است که این مهم‌ترین نقش امام در زندگی ماست.

در هر جنبه‌ای از زندگی، هر نگرانی و نیازی که داشته باشیم، خوب است به این نکته توجه کنیم که در عالم، شخصی وجود دارد که کلید تمام خزانه‌های غیب الهی به دست اوست و او یار و یاور بندگان و پناه بی‌پناهان است و از پدر هم به ما مهربان‌تر است؛ هیچ چیز در عالم، مانع ارتباط ما با او نیست. تنها کافی است به او توجه و توسل کنیم و نیاز خود را در هر جای عالم که هستیم، فقط به زبان بیاوریم و یقین داشته باشیم که او به اذن خدا می‌شنود، نیازمان را برآورده می‌کند و بندگان را در امور مادی و معنوی یاری می‌رساند. البته باید توجه داشته باشیم که او بدون اذن خدا و بر خلاف مصالح الهی کاری نمی‌کند و درخواست‌های ما را مطابق با مصلحت ما و آن‌گونه که خداوند اراده کند، برآورده می‌سازد.

کتاب «خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)»

نویسنده: محمدرضا حکیمی ناشر: دلیل ما - ۱۳۹۱ شمسی

موضوع: کتابی جامع درباره مباحث مختلف مهدویت که با بیانی علمی و در عین حال ساده و روان نگاشته شده است. کتاب در چهارده فصل، با استناد به آیات، روایات و منابع تاریخی و تحلیل آنها، سیمایی کلی از مهدی موعود علیه السلام ارائه کرده است. مؤلف تلاش نموده تا مسأله مهدویت را از زوایای تاریخی، روایی، قرآنی، ملل و نحل و ادیان مختلف، عقلی و علوم تجربی مورد بحث و بررسی قرار دهد و به گونه‌ای مستدل به سوالات و شبهاتی که از سوی افراد و گروه‌های مختلف در زمینه مباحث مهدویت مطرح شده است، پاسخ دهد.

کتاب «حکومت جهانی مهدی علیه السلام»

نویسنده: آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ناشر: نسل جوان - ۱۳۹۲ شمسی

موضوع: در کتاب سخن از سرنوشت و آینده بشریت است که آیا به صلح و عدالت و آزادی می‌انجامد یا به هرج و مرج، نابسامانی‌ها، جنگ و ویرانی؟ مؤلف در کتاب با بهره‌گیری از دلائل عقلی و نقلی و تحلیلی انسان‌شناختی آینده‌ای روشن برای جهان ترسیم کرده و سرنوشت نهایی جهان را بر پایه عدل و صلح و برادری به اثبات می‌رساند که با یک انقلاب اصیل و ارزشی و معنوی محقق می‌شود.

کتاب «آخرین منجی (شناخت‌نامه امام مهدی علیه السلام)»

نویسنده: قنبرعلی صمدی ناشر: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام - ۱۳۹۳

موضوع: نوشتار حاضر، اثری جامع و فشرده پیرامون مباحث مهدویت است که با تکیه بر آیات قرآنی و روایات مهدوی، به تبیین مبانی معرفتی اندیشه‌ی مهدویت پرداخته و سپس با استناد به محتوای آیات و روایات، حوادث و رخداد‌های مربوط به دوران ولادت، خردسالی، غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بر شمرده است.

چگونگی یاری امام زمان (علیه السلام)

گاهی این گونه تصور می شود که وظیفه شیعه در دوران غیبت فقط این است که بنشینند و منتظر باشد تا امام زمان (علیه السلام) تشریف بیاورند و یک تنه و به صورت خارق العاده و معجزه آسا حکومت جهانی توحیدی را بر پا کنند و در این مسیر نه منتظران وظیفه ای در قبال یاری آن حضرت دارند و نه اساساً آن حضرت نیازی به یاری کسی دارند. این تصور غلطی است که با واقعیت فاصله بسیار دارد.

برقراری توحید و عدالت و اصلاح امور جامعه به این صورت، نه با سنت ابتلاء و امتحان الهی سازگار است و نه موجب تحقق رشد و هدایتی جدی و ماندگار برای جامعه می شود. اگر قرار است امر فرج، بدون دخالت دیگران و تنها با تصرفات معجزه گونه امام (علیه السلام) محقق شود، چرا این همه به تأخیر افتاده است؟! اگر قرار بر چنین چیزی بود، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به عنوان صاحب شریعت یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) که سرسلسله ولایت و امامت بودند، به استفاده از معجزه و امور خارق العاده برای تشکیل حکومت جهانی توحیدی سزاوارتر بودند و اهل بیت عصمت (علیهم السلام) این همه زجر نمی کشیدند و مسلمانان نیز به گرفتاری های مختلف و متعدد دچار نمی شدند.

ائمه طاهرین (علیهم السلام) در روایات متعددی به مسأله نداشتن یاران حقیقی و اهمیت آمادگی و همراهی آنان اشاره کرده و این نکته را بارها به پیروان خود گوشزد نمودند که اگر به تعداد کافی یار واقعی داشتند، قیام نموده و با طاغوت مبارزه می کردند و یا قیام امام زمان (علیه السلام) را به آماده شدن یاران ایشان موکول نمی فرمودند. زمانه امام صادق (علیه السلام)، دوران شکوفایی علم ایشان و آزادی نسبی امام (علیه السلام) بود که بیشترین تعداد پیروان را داشتند، به گونه ای که شیعیان به ایشان پیشنهاد قیام می دادند؛ اما نظر امام (علیه السلام) چیز دیگری بود؛ چنانچه در روایتی به "سَدِیرِ صِیْرِفِی" یکی از یاران خود فرمودند: « وَاللَّهِ لَوْ كَانَ لِي شِيعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجَدَاءِ مَا وَسَعَنِي الْقُعُودُ؛ [ای سَدِیر! اگر شمار یاران و پیروان من به تعداد این بزغاله ها رسیده بود، بر

جای نمی‌نشستم [و قیام می‌کردم].» "سدير" می‌گوید: "بعد از نماز شمردم، دیدم عدد بزغاله‌ها ۱۷ تا است."^(۲)

به هر حال مبارزه با جبهه کفر و برقراری حکومت عدل جهانی، نیاز به یاران و انصاری دارد که بدون وجود آنها یا بدون آمادگی کامل آنها برای به دوش کشیدن این بار سنگین، قیام برای تشکیل حکومت توحیدی موفق نخواهد بود و سرّ تأخیر در امر فرج نیز همین است. بلکه حتی آمادگی این عده هم به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید کل جامعه شیعه و بلکه کل جامعه بشری به‌میزانی، آمادگی پذیرش حکومت عدل الهی و درخواست تحقق آن را دارا باشند؛ در غیر این صورت باز هم امکان قیام پیروزمندانه وجود نخواهد داشت. البته ظهور منجی شروط و مقدمات دیگری هم دارد ولی مهم‌ترین شرط آن همین آمادگی جمعی خاص و آمادگی و اقبال عمومی در جامعه است.

حال که چنین است، در دوران غیبت چگونه می‌توان امام را یاری نمود؟ با توجه به توضیحی که گذشت، می‌توان ادعا کرد که برترین مصداق یاری ولیّ خدا در این دوران، تلاش برای زیادشدن همین آمادگی است. اولین قدم در این زمینه، تلاش هر فرد برای افزایش آمادگی شخصی است که این امر جز با رعایت تقوا و تهذیب نفس امکان‌پذیر نیست. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس مشتاق است که از اصحاب قائم ما (علیهم السلام) باشد، باید منتظر ظهور او باشد و تقوا پیشه کند و حسن خُلق داشته باشد». (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰) پس انتظار به تنهایی کفایت نمی‌کند و برای آمادگی حقیقی، تقوا و خودسازی و کسب فضائل اخلاقی نیز لازم بوده و تلاش در این مسیر، برترین مصداق یاری ولیّ خدا در این زمانه است.

مرحله بعد، افزایش آمادگی و توجه جامعه نسبت به امر فرج است و هر منتظری خود را موظف به ترویج اندیشه مهدویت در جامعه بداند و تلاش کند تا تقوا، توجه و خواست عمومی در جامعه نسبت به ظهور افزایش یابد. هر تلاش و کوششی در این زمینه بالاترین مصداق یاری ولیّ خدا خواهد بود.

موانع ظهور حضرت مهدی علیه السلام

چرا با وجود گذشت ۱۲ قرن از دوران غیبت و این همه دعا و تضرع و درخواست منتظران به درگاه الهی، باز هم ظهور امام زمان علیه السلام محقق نگردیده است؟! در پاسخ باید گفت: این امر نشان دهنده وجود موانعی است که علی‌رغم فراهم بودن برخی اسباب و مقدمات، وجود این موانع باعث شده تا فرج محقق نشود و ظهور به تأخیر بیفتد. با توجه به آنچه که در بحث یاری امام زمان علیه السلام گفته شد، ظاهراً جدی‌ترین مانع ظهور حضرت حجت علیه السلام عدم آمادگی لازم برای پذیرش ولایت و حکومت آن حضرت در میان انسان‌ها است. درست است که عده زیادی قرن‌هاست که به درگاه الهی دعا و تضرع داشته‌اند و ظهور آن منجی عدالت‌گستر را عاجزانه از خدا درخواست کرده‌اند، اما ظاهراً این درخواست به آن میزانی که باید جدی و واقعی نبوده یا تعداد کسانی که واقعا خواهان این امر بوده‌اند، تا کنون به آن عددی که باید نرسیده است.

هر گناه و هر صفت ناپسندی چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، مانعی برای فرج و ظهور است و باعث کاسته شدن درخواست و تمایل نسبت به حاکمیت خوبی‌ها و پاکی‌ها و از میان رفتن حاکمیت پلیدی‌ها و آلودگی‌ها، هم در فرد و هم در جامعه می‌شود و از اراده فردی و جمعی نسبت به مبارزه با جبهه کفر و نفاق و تزویر و تلاش برای تحقق دولت عدالت‌گستر مهدوی می‌کاهد.

پس بر هر منتظر مهدی‌باوری لازم است که بکوشد تا موانع ظهور مولایش از جمله گناهانی که به‌صورت آشکارا انجام می‌دهد و یا به‌صورت پنهانی به آن مشغول است و یا اعمال زشت و ناپسندی را که به صفتی از صفات او تبدیل شده است (مانند دروغ‌گویی، رباخواری) را در درون خود و جامعه‌اش بشناسد و برای از میان بردن آن موانع، ابتدا در خودش و سپس در اطرافیان و دوستان و عزیزانش و بلکه کل افراد جامعه تلاش نماید.

ادعیه به نام حضرت مهدی علیه السلام (دعای غریق)

یکی از دعاهایی که در این عصر و زمانه‌ی فتنه و آشوب، خواندنش بسیار سفارش شده «دعای غریق» است؛ دعایی از امام صادق علیه السلام برای حفظ ایمان در زمان دوری از امام معصوم علیه السلام و در امان ماندن از خطر شبهات و فتنه‌های آخرالزمان! عبدالله بن سنان، یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که روزی آن حضرت خطاب به ما فرمودند: «به زودی شبهه‌ای به شما روی خواهد آورد؛ در حالی که نه نشانه‌ای خواهید داشت که آشکار باشد و به وسیله آن هدایت یابید و نه امامی که شما را هدایت کند. تنها کسانی از این شبهه نجات خواهند یافت که دعای غریق را بخوانند. گفتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی:

«یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحِیمُ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِکَ؛

ای خدا! ای بخشنده! ای بخشایشگر! ای کسی که قلب‌ها را دگرگون می‌سازی! قلب مرا بر دینت پایدار فرما» و من هم گفتم: «یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحِیمُ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ و الابصار ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِکَ» امام فرمود: خدای تعالی مقَلِّبَ الْقُلُوبِ و الابصار است؛ اما همچنان که من گفتم بگو: «یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِکَ» (کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۵۱)

جهان قبل از ظهور

در منابع اسلامی، روایات متعددی از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است که در آنها مجموعه‌ای از پیشگویی‌ها و اطلاعات در مورد ویژگی‌های آخرالزمان و وضعیت جهان در آستانه ظهور بیان شده است. مجموعه این پیشگویی‌ها و اطلاعات، تصویری نسبتاً روشن و واضح از جهان قبل از ظهور در اختیار ما قرار می‌دهند که گستره‌ی آن تقریباً تمام ابعاد حیات بشر در این دوران را در بر می‌گیرد.

بخشی از این علائم و پیشگویی‌ها سال‌ها و گاه دهه‌ها است که به وقوع پیوسته‌اند و عجیب آن که تحقق آنها حتی در جزئیات، کاملاً مطابق با آن چیزی است که در روایات آخرالزمانی بیان شده است! گویی این روایات، نه پیشگویی‌هایی مربوط به ۱۳ یا ۱۴ قرن قبل، بلکه گزارش‌هایی از سوی کسی هستند که در همین دوران زندگی می‌کند و به چشم خود این وقایع و پدیده‌ها را دیده و خودش در بطن آنها قرار دارد و اکنون به صورت زنده آنها را برای مخاطبینش گزارش می‌کند!

از جمله مسائلی که در روایات آخرالزمانی به آن پرداخته شده است، ویژگی‌های مردم این دوران و شیوه زندگی و رفتار و اندیشه آنان است. بخشی از این روایات بشارت‌دهنده هستند و احوال مردمانی را بیان می‌کنند که در دوران وانفسای آخرالزمان دین خود را حفظ می‌کنند و بر صراط مستقیم پایدار می‌مانند. اما بخشی از روایات هم بیم‌دهنده هستند و در آنها از زشتی‌ها، ناراستی‌ها، بدعت‌ها، انحرافات و کژئی‌های مردم آخر الزمان سخن به میان رفته است. از جمله این روایات، روایت مفصلی از امام صادق (علیه السلام) است که در آن ویژگی‌هایی هراس‌انگیز را برای مردمان آخرالزمان برشمرده‌اند که در اینجا بخشی از آن را نقل می‌کنیم.

حضرت در توصیف عادات و خوی مردمان دوران آخرالزمان می‌فرماید:

- [دستورات] قرآن کهنه می‌شود و کسی تمایل به تلاوت آن ندارد و آیاتش طبق دلخواه توجیه می‌شود!

- اهل باطل بر اهل حق برتری می جویند!
- شر و بدی آشکار می شود و از آن نهی نمی شود و اهل شرّ را معذور می دانند!
- فسق و گناه آشکار می شود!
- مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند (همجنس بازی در بین مردان و زنان رایج می شود)!
- ربا آشکار می شود و بر آن سرزنش نمی شود!
- مؤمن سکوت می کند؛ چرا که کسی سخنش را نمی پذیرد. اما فاسق دروغ می گوید و کسی دروغش را رد نمی کند!
- کوچک تر بزرگ تر را خوار می شمارد و تحقیر می کند!
- هر کس را به کارِ بدی بستایند، خندان و خشنود می شود و اعتراضی نمی کند!
- پیوندهای خویشاوندی بریده می شود!
- مردم چون تلاش شخص مؤمنی را می بینند، از کوشش او به خدا پناه می برند (تلاش و جدیت در تقوا و بندگی خدا را حماقت و افراط و بی خردی و امثال آن می انگارند)!
- کافر به خاطر آن که مؤمنین را دچار سختی ها و گرفتاری ها می بیند، خوشحال است و از اینکه در روی زمین فساد و تباهی می بیند، شاد است!
- شراب را آشکارا می نوشند و آنان که از خدای عزوجلّ نمی ترسند، برای نوشیدنش گرد هم می آیند!
- کسی که امر به معروف می کند، خوار است و فاسق در آنچه خدا دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است!
- ... (الکافی، ج ۸، ص ۳۷ - ۳۸)

سبک زندگی مهدوی ﷺ

«سبک زندگی مهدوی ﷺ» به معنای شیوه‌ای از زندگی است که با محوریت وجود مهدی موعود ﷺ و باور به آن بزرگوار شکل گرفته باشد. سبک زندگی مهدوی به این معناست که اعتقاد به مهدی موعود ﷺ را تبدیل به شیوه و روش اصلی زندگی خود کنیم و تمام فعالیت‌های خود را ناظر به این اعتقاد جهت بدهیم.

مهم‌ترین مؤلفه در سبک زندگی مهدوی، مسأله موعودباوری و انتظار فرج مهدی موعود ﷺ است؛ انتظار ظهور منجی عدل‌گستری که می‌آید و بشریت را از تمام بدبختی‌هایش رهایی می‌بخشد و عالم را تبدیل به گلستان می‌کند. سبک زندگی مهدوی یعنی زندگی متنظرانه؛ یعنی همه چیز انسان در راستای انتظار تحقق چنین امر عظیمی جهت پیدا کند؛ یعنی انتظار فرج، تبدیل به مهم‌ترین مسأله در زندگی انسان بشود و تمام تلاش و فعالیت انسان رنگ انتظار به خود بگیرد.

اگر بخواهیم کمی کاربردی‌تر این مسأله را بیان کنیم، باید بگوئیم سبک زندگی مهدوی یعنی هر کاری را که می‌خواهیم انجام بدهیم، با توجه به مسأله فرج و توجه به نقش و تأثیری باشد که آن کار در راستای فرج دارد. انسان مهدی‌باور در برنامه‌ریزی و تعیین سبک زندگی خود اولاً بررسی می‌کند که از مجموعه فعالیت‌هایی که در زندگی روزمره‌اش انجام می‌دهد، کدام یک در راستای امر فرج و تسریع آن نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند و اولویت‌های زندگی خود را با توجه به این ملاک تعیین می‌نماید و نقشه راه و مسیر کلی زندگی‌اش را بر این اساس ترسیم می‌کند. در مرحله بعد نیز به سراغ هر بُعد از ابعاد زندگی خود که می‌رود و قصد انجام هر فعالیتی را که دارد، تمام تلاشش این است که آن فعالیت را به گونه‌ای سامان دهد که بهترین و بیشترین تأثیر را در تسریع و تعجیل امر فرج داشته باشد. ممکن است این پرسش برای کسی ایجاد شود که معنای این سخن، تعطیل شدن تمام زندگی و فعالیت‌های روزمره انسان مهدی‌باور است و او باید تنها به دنبال تلاش

برای زمینه‌سازی امر فرج باشد!

در پاسخ باید گفت چنین نیست و سبک زندگی مهدوی مستلزم تعطیل کردن فعالیت‌های عادی زندگی نیست. نکته کلیدی در این زمینه، «جهت بخشی» به فعالیت‌های روزمره زندگی در راستای امر فرج و ظهور منجی منتظر است. مثلاً انسان مهدی‌باور مانند دیگر انسان‌ها برای کسب درآمد و امرار معاش شغلی انتخاب می‌کند و به کاری می‌پردازد. اما تمام تلاش خود را در انتخاب شغل و نحوه پرداختن به آن با به کار می‌بندد تا به گونه‌ای عمل نماید که فعالیت‌های اقتصادی‌اش بهترین و بیشترین تأثیر را در راستای تعجیل امر فرج داشته باشد. همان‌طور که در ازدواج و انتخاب شریک زندگی نیز همین معیار را در نظر می‌گیرد و هدفش از ازدواج در عین کسب آرامش و ارضاء نیازهای زناشویی و، تشکیل خانواده‌ای مهدوی و تربیت فرزندی است که سربازان جبهه مهدوی و زمینه‌سازان ظهور منجی باشند.

یا مثلاً هر انسان دین‌باوری بخشی از زمان خود را به عبادت و انجام مناسک دینی می‌گذراند. اما این اعمال می‌تواند به نیت‌های مختلفی انجام شود و اهداف متعددی در آنها لحاظ شود. انسان دین‌باوری که سبک زندگی‌اش مهدوی قرار داده، در انجام فعالیت‌های عبادی‌اش، نیت‌هایی را در نظر می‌گیرد که بیشتر رنگ‌وبوی انتظار و موعودباوری داشته باشند. مثلاً سفر زیارتی‌اش را به نیت‌هایی نظیر تعجیل امر فرج حضرت مهدی علیه السلام، یا رفع موانع فرج آن حضرت، یا فراهم شدن زمینه‌های فرج آن حضرت، یا فزونی روزافزون قوت و قدرت کسانی که در راستای تعجیل امر فرج تلاش می‌کنند، یا دفع خطرات از این افراد و امثال این نیت انجام بدهد.

تلاش برای زندگی کردن به سبک مهدوی بالاترین مصداق بندگی خدای تعالی بوده زیرا که از بهترین وجوه اطاعت و یاری ولی خداست و همان‌گونه که در بحث وظایف منتظران گفته شد، لطف و عنایت ویژه الهی را شامل حال انسان می‌کند و باعث می‌شود تا امور دنیا و آخرت انسان به بهترین وجه ممکن سامان پیدا کند.

- ۱- اثباه الهداه، ج ۵، ص ۱۰۸ و ۲۰۷ و ۳۴۶؛ الملاحم و الفتن، ص ۴۸ و ۶۰ و ۱۴۰.
- ۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ه. ق، ج ۲، ص ۲۴۲؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۷۲ - ۳۷۳.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن یا فتنه و آشوب‌های آخرالزمان، (مترجم نجفی، محمد جواد)، تهران، اسلامیه، بی‌تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.